

دیدار آخر دولت با رهبری

مقام معظم رهبری دیروز در دیدار محمد مخبر، سرپرست ریاست جمهوری و اعضای هیئت دولت سیزدهم که آخرین دیدار اعضای این دولت با ایشان بود، دولت سیزدهم را دولت «کار و امید و حرکت» برشمردند و گفتند: «شهید رئیسی واقعا امیدوار و به حق، به آینده خوش بین بود و تصمیم قاطع داشت که به اهداف ترسیم شده برسد». ایشان در تبیین ویژگی های رئیسی، «مردمی بودن» او را «خصوصیتی بسیار مهم و الگویی حقیقی برای همه مسئولان» خواندند و گفتند: «رئیس عزیز به مردم احترام می گذاشت و با حضور در میان مردم، حقایق و نیازها را لمس می کرد و حل مشکلات و تامین نیازهای توده های مردم را محور برنامه ها و اقدامات خود قرار می داد». رهبری ویژگی «با مردم بودن» را «خواست اسلام از مقامات و مسئولان» خواندند و با استناد به فرمان امیرمؤمنان (ع) به مالک اشتر افزودند: «امیر (ع) به مالک تاکید می کند محبوب ترین کارها در چشم تو باید کاری باشد که رضایت و خشنودی توده های مردم را جلب کند؛ چراکه در همه عرصه ها از جمله مقابله با دشمنی و ایجاد وحدت، همین توده های مردم یار تو هستند نه خواص و ویژه خوارانی که توقع شان بالاست و فقط برای منافع خود کار می کنند و به همین علت با آنها وحدتی در جامعه ایجاد نمی شود». ایشان اعتقاد عمیق به توانایی های داخلی را دیگر خصوصیات رئیسی خواندند و گفتند: «در دوره های مختلف با مسئولان در این باره صحبت کرده ایم، کسی هم مخالف نبود؛ اما انسان می فهمد که رئیسی از بُن دندان به ظرفیت ها و توانایی های داخلی برای حل مشکلات کشور اعتقاد داشت». «صراحت در اعلام مواضع دینی و انقلابی» و «پرهیز از بیان حرف های دوپهلو و یا ملاحظه خوش آمد دیگران»، ویژگی دیگر رئیس فقید دولت سیزدهم بود که رهبری با اشاره به آن، گفتند: «رئیس به آنچه با صراحت می گفت، در عمل نیز پایبند بود؛ مثلاً در اولین مصاحبه از او سوال کردند با فلان کشور ارتباط برقرار می کنید، پاسخ داد «خیر» و تا آخر هم به همین خط صریح و روشن پایبند بود». ایشان گفتند: «هن مکرر به رئیسی توصیه می کردم برای ادامه ی بدون مشکل فعالیت ها قدری استراحت کند اما او می گفت «از کار خسته نمی شوم» و واقعا هم خسته نمی شد و این ویژگی عملی، حقیقتاً تعجب آور بود». آیت الله خامنه ای با اشاره به «مایوس نشدن رئیسی از مشکلات و زخم زبان ها» افزودند: «انسان غالباً از ناسپاسی یا انتقاد دیگران بدش می آید و دلسرده می شود اما رئیسی با وجودی که رنج می برد و گاهی هم به من شکایت می کرد، هیچ گاه از این مسائل مایوس و از پیگیری کارها دلسرده نمی شد». «رعایت همزمان تعامل و عزت مندی» نیز از جمله خصوصیات رئیسی بود که رهبری به تبیین آن پرداختند و گفتند: «رئیس به اصل ارتباط عقیده داشت و اهل تعامل بود؛ اما از موضع عزت، نه آنچنان تند و دورکننده بحث می کرد که ارتباط قطع شود و نه بیپوده خود را دست پایین می گرفت و امتیاز می داد. تعامل رئیس جمهور شهیدمان از موضع عزت با همه کشورهای که امکان داشت و با اولویت همسایگان، باعث شد پس از شهادت او، چند نفر از سران برجسته جهان در پیام های تسلیت از رئیسی به عنوان یک چهره برجسته یاد کنند نه سیاستمدار عادی». ایشان افزودند: «رئیس از اختلافات، اوقاتش تلخ می شد اما با همه مدارا می کرد. در یک مورد هم که اختلافی جدی وجود داشت و ممکن بود دعوای بزرگی در کشور راه بیفتد، به ایشان گفتم مطلقاً عکس العمل نشان ندهد؛ برایش سخت بود اما عکس العملی نشان نداد و مدارا کرد». آخرین ویژگی رئیسی که مورد اشاره رهبری قرار گرفت، «معنویت و ذکر و دعا و توسل» رئیس دولت سیزدهم بود.

آیت الله خامنه ای با تشکر از اعضای هیئت دولت در همراهی و همکارانی با رئیسی، گفتند: «اگر همکاری شما نبود، طبعاً این فعالیت ها امکان پذیر نمی شد». رهبری با تشکر ویژه از مخبر (هم به خاطر همراهی با دولت سه ساله رئیسی و هم به علت اداره «انصاف خوب» امور اجرایی کشور بعد از شهادت رئیس جمهور)، گفتند: «تا آخرین لحظه کاری به این فعالیت ها ادامه دهید که این نیز یک الگوست. البته طبعاً تشکیلات دولت تغییراتی خواهد کرد؛ اما خدمات شما نه تنها در چارچوب عناوین و مدیریت های خاص بلکه در همه شرایط می تواند ادامه یابد». رهبری در پایان سخنان شان بار دیگر از مردم و کار و تلاش مسئولان دولتی، وزارت کشور، رسانه ملی و نیروهای انتظامی و امنیتی برای برگزاری خوب و بدون حادثه انتخابات صمیمانه تشکر کردند و گفتند: «در برخی کشورهای دنیا، انتخابات با دعوا و یقه گیری همراه است؛ در حالی که در کشور ما انتخابات به بهترین وجه برگزار شد».



پیروزی سازش بر سستیز

تحلیلی بر انتخاب مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم

کشمیر-ایران

پیش از انتخابات این تغییر خیلی محسوس نبود زیرا ذهنیت نامزد اصلی (رفسنجانی) کماکان مانند دوره های پیشین بود؛ به طوری که خود او در جایی گفته بود از عبدالله جاسسی خواسته ایم که نامزد شود. یعنی تردیدی در بر نداشت که نامزد اصلی نبود، اما برای گرم کردن تنور انتخابات باید «قیب نجیبی» هم باشد تا انتخابات گرم شود. درست مانند نقشی که عباس شیبانی در دور نخست بازی کرد و رفسنجانی نیز با ۹۴ درصد آراء برنده انتخابات شد، ولی گویا این بار قضیه کمی فرق کرده بود و نامزدان حاشیه ای خود را از قبل بازنده نمی دانستند و حتی در صدد چالش با نامزد اصلی نیز برآمدند. از میان چهار نامزد یعنی اکبر هاشمی رفسنجانی، عبدالله جاسسی، احمد توکلی و رجبعلی طاهری، نوعی جبهه بندی جناح گرایانه شکل گرفت؛ دو نامزد اول نماینده تفکر نوظهور میانه بودند، توکلی نماینده راست سنتی و طاهری نماینده راست مؤتلفه بود. در اینجا جناح راست سنتی، تفکر جناح میانه را به طور جدی نقد کرد تا حدی که آن هژمونی رای بالای ۹۰ درصد را شکست نامزد اصلی تنها با ۶۲ درصد آراء و نامزد جریان رقیب یعنی توکلی با ۲۴/۳ درصد انتخابات را به پایان رساند. در حالی که در دوره قبل در مقابل ۹۴ درصد رای هاشمی، شیبانی تنها ۲۷/۸۶ درصد آراء را به دست آورد. توکلی حتی در برخی شهرها و استان ها رای اول را به دست آورد. این انتخابات قدری فضا را قلابتی کرد. در جریان انتخاب کابینه و سهم خواهی زیاد جناح راست از جناح میانه، جناح چپ به کمک هاشمی آمد و همین موجب نزدیکی جناح چپ به جناح میانه و هاشمی رفسنجانی شد؛ نزدیکی ای که نقش مهمی در تحولات آینده ایران داشت. اما زلزله سیاسی در انتخابات ۱۳۷۶ اتفاق افتاد، انتخاباتی که به ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی انجامید و برای نخستین بار مشی سیاسی متعارف و پذیرفته شده دولت و کشور از طریق رای مردم تغییر کرد. در تاریخ ایران تغییر به قول همایون کاتوزیان یا از طریق اراده در بارها بوده، یا از طریق انقلاب عمومی و یا به واسطه توطئه بیگانگان. اما این نخستین بار بود که در یک فرایند آرام انتخاباتی مسیر اصلی دولت تغییر می کرد. انتخابات از فردمحوری به جناح محوری تغییر جهت داده بود یعنی ائتلاف چپ و میانه که بعداً در قالب جناح اصلاح طلب مفهوم بندی شد، انتخابات باره در انتخابات ۱۳۷۲ مشارکت نامزدها عمدتاً متمرکز بر مسائل اقتصادی بود ولی در سال ۱۳۷۶ دو مقوله مهم سیاست داخلی و سیاست خارجی در صدر مشاجرات نامزدها و طرفداران آنها قرار گرفت. در واقع دوگانه تغییر وضع موجود از سوی جناح خاتمی / در برابر حفظ وضع موجود از سوی جناح علی اکبر ناطق نوری هویت بخش اصلی این انتخابات بود. هر چند این دو قطبی چپ و میانه از سویی و راست و تندرو از سوی دیگر نه به شکل برنامه ریزی شده بلکه به طور خودجوش در برابر هم صف بندی کرده بودند.^۲

با پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری و تصاحب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ مسیر سازش در سیاست ایرانی به پایان خود رسید و دوره ای طولانی از سستیز آغاز شد و ساحت سیاست ایرانی در وادی تنازع افتاد، چرا که هر دوسوی معادله تحمل این وضعیت جدید را نداشتند. به رغم آنکه مورس دوره متفکر سرشناس فرانسوی سیاست را بازی همزمان سستیز و سازش می دانست، اما در ایران این دوگانه در طیفی از افراط و تفریط جای دارد. گاهی سیاست کاملاً منطقی سازشگرانه به خود می گیرد و وجود هرگونه سستیز و حتی تقدم و مخالفت را بر نمی تابد مانند سال های قبل از ۱۳۷۶، گاهی نیز در مسیر سستیز می افتد و هرگونه

مخالف رژیم پیشین به نتیجه رسید و امید این بود که با همین «وحدت کلمه» نظام انقلابی جدید بتواند بر مشکلات فائق آید. این وحدت گرچه در سال های نخستین انقلاب و هنگام تثبیت نظام جدید به واسطه درگیری های قومیتی و اقدامات مسلحانه برخی گروه ها مختل شد، اما از آن زمان به بعد تقریباً اغلب نیروهای به لحاظ عقیدتی همسوی با اندیشه انقلاب اسلامی همزیستی مسالمت آمیزی داشتند. حتی انشعاب روحانیان انقلابی و همراهان امام خمینی به دو جریان روحانیون و روحانیت در سال ۱۳۶۶ با موافقت ایشان نیز شکافی رادیکال میان آنها ایجاد نکرد. آنها به رغم اختلافات کم و بیش آشکار و نهان در باره روابط خارجی، اقتصاد و سیاست های فرهنگی، اما همچنان در نهادهای حکومتی مانند مجلس، دولت و دستگاه قضایی در کنار یکدیگر فعال بودند، به طوری که می توان گفت از این تاریخ تا انتخابات سال ۱۳۷۶ وضعیت جناح بندی سیاسی در ایران آرام و کم حاشیه بود.

این روند آرام و توأم با سازش در مهم ترین عرصه سیاست وزری یعنی انتخابات ریاست جمهوری نیز حکم فرما بود، چنانچه از ابتدا تا انتخابات سال ۱۳۷۶ این روند با حداقل نوسان تداوم داشت. ابوالحسن بنی صدر در سال ۱۳۵۸ در فضای به شدت انقلابی سال های نخست شکل گیری جمهوری اسلامی با کمترین چالش برنده نخستین انتخابات ریاست جمهوری شد. به دنبال وقایع عزل بنی صدر، محمدعلی رجایی در سال ۱۳۶۰ به عنوان دومین رئیس جمهوری ایران برگزیده شد؛ اما دوره ریاست جمهوری او چند ماه بیشتر طول نکشید و در یکی از ترورهای پُر دامنه دهه شصت، رئیس جمهور و نخست وزیر به شهادت رسیدند. آیت الله علی خامنه ای در فضای جنگ زده آن سال ها در همان سال ۱۳۶۰ به عنوان سومین رئیس جمهور به قدرت رسید. ایشان در انتخابات سال ۱۳۶۴ نیز باز در همان وضعیت جنگ زده کشور برای دومین بار رئیس جمهور شدند. البته ساخت قوه مجریه آن زمان متمرکز نبود و هیئت دولت را نخست وزیر میر حسین موسوی تشکیل می داد، چنانچه پیش از آن محمدعلی رجایی و بعد از او محمد جواد باهنر نیز نخست وزیران اول و دوم بودند. این وضعیت تا پایان جنگ و درگذشت بنیانگذار جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ ادامه پیدا کرد. اکبر هاشمی رفسنجانی در فضای نگران بعد از جنگ، با هدف بازسازی خرابه های باقی مانده از هشت سال جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) و با شسعار تشکیل دولت سازندگی برنده انتخابات سال ۱۳۶۸ شد. در تمام این دوره ها انتخابات بسیار آرام و بی چالش پیش می رفت، به طوری که نامزد اصلی از قبل معلوم بود و با حدود ۹۰ درصد آراء نیز در برابر نامزد حاشیه ای (که گاهی خود او مُسَلِّح نامزد اصلی نیز بود مانند توصیه علی اکبر پرورش، نامزد احتیاطی حزب جمهوری اسلامی برای رای دادن به آیت الله خامنه ای) به پیروزی می رسید. اما در دور دوم ریاست جمهوری رفسنجانی یعنی در انتخابات سال ۱۳۷۲ فضا قدری تغییر کرد. به ویژه که نظام از بحران هایی مانند مخالفان داخلی، جنگ خارجی و حتی بازسازی برخی خرابه های جنگ گذر کرده بود و در جهت نرمال سازی زندگی مردم می کوشید. به همین دلیل برنامه دولت بر بازسازی اقتصاد متمرکز شد تا شاید نمود آن در زندگی روزمره مردم پدیدار شود. می توان گفت سیاست سازش در ایران و به ویژه در انتخابات ها تا اینجا خوب کار کرد. ولی در این دوره جناح های سیاسی کمی توازن شان برهم خورد و این زمینه ساز برخی سستیزها شد. گرایش به نرمال سازی در برابر ایده آل خواهی انقلابی، فصل مهم این اختلاف نوظهور بود.



شجاع احمدوند

استاد علوم سیاسی
دانشگاه علامه طباطبائی

سیاست بازی سستیز و سازش است؛ به طوری که بسیاری از متفکران بر همزمانی و دوسویگی این رابطه تأکید یکسان کرده اند. چنانچه ویلفردو پاره تو (۱۸۴۸-۱۹۳۲) متفکر رئالیست ایتالیایی و نظریه پرداز حکومت نخبگان، به افتخای سفلی نیکولو ماکیاوولی، بر آن بود که سیاست بازی شیرصفتی و روه صفتی است به طوری که حاکم باید زمانی شیرصفته تر به مواضع خود اصرار و پافشاری کند و زمانی لایم است در سیاست ها و تاکتیک ها انعطاف به خرج دهد. امروزه ادبیات گسترده ای نیز در مورد شیوه های حل و فصل سستیزها، خواه منازعات و خواه اختلافات، وجود دارد چنانچه گاهی از مفهوم Conflict Resolution و گاهی Dispute Settlement استفاده می شود، اولی حل و فصل منازعات را شامل می شود و دومی حل و فصل اختلافات یا دعوی را در بر می گیرد. البته در ادبیات سنتی ایران و حتی برخی سیاست نامه های که از سوی اهل ادب فارسی نوشته شده اند وزن سازش بیشتر و پُر رنگ تر است. چنانچه فردوسی به رغم اینکه بخش مهمی از شاهنامه اش گزارش جنگ هاست، ولی می خواهد با نقد و تعدیل رویکرد جنگ طلبانه، نشان دهد که ذهن ایرانی صرفاً مُنازع گر و چالشی نیست بلکه سازش جزء ذاتی عقلانیت ایرانی است. حافظ غزل سرای بی بدیل ایرانی نیز به طور بسیار موجز و رسا، آسایش دو گیتی را در دو حرف مروت و مدارا خلاصه می کند؛ مروت با دوستان و مدارا با دشمنان (آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت با دشمنان مدارا). بدین سان از دوگانه سازش و سستیز، گویی سازش طنین پُر آوازه تری در اندیشه ادبای طراز اول ایرانی و از آن طریق در تاریخ، فرهنگ و سیاست ایرانی دارد. اما به هر حال همواره سوبه های این دوگانه طرفداران خود را داشته و دارد، نمودی از این دوگانه را در مناظرات انتخاباتی ریاست جمهوری تیرماه ۱۴۰۳ می شد مشاهده کرد. به طوری که یک سو بر «امکان تحول مسالمت آمیز» و وحدت همه نیروها تأکید داشت و دیگری بر «امکان تحول غیرت سازانه و طرد غیر خودی». «یکی بر کوشش برای انسجام و وحدت ملی و تنش زدایی در روابط خارجی اصرار داشت و دیگری بر دوگانه سازی های ریشه دار و کم حاصل و گاهی تفرق و چنددستگی داخلی و تنش در روابط خارجی. این پرسش اهمیت بنیادین دارد، اینک که اصلاح طلبان تصمیم به ورود به انتخابات گرفتند و دعوت حاکمیت به واسطه تأیید صلاحیت نامزد خود را اجابت کردند، آیا با گونه جدیدی از سیاست وزری وارد این رقابت شدند یا با همان منطق کنش سیاسی گذشته خود در این عرصه مهم حضور یافتند؟ پاسخ اجمالی آن است که با مرور فرایند سازش و سستیز در ایران طی دهه های گذشته، به نظر می رسد که اصلاح طلبی پزشکیان با باز تولید نظریه سازش و تأکید بر پنج مقوله قانون، کارشناسی، اجماع، تعامل و شفافیت، به دنبال فصل نوبین متفاوتی از سیاست وزری است که حاصل جمع آن را می توان در قالب سازش به جای سستیز مفهوم بندی کرد.

تاریخ گواه آن است که انقلاب اسلامی ایران در بادی امر در قالب حرکتی روه به مرکز و به واسطه سازش همه نیروهای

۴